

مطالعه تطبیقی جرم رشاء و ارتشاء در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

محمدصادق حشمتی^۱

مریم سهل‌آبادی

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره‌ی جرایم علیه آسایش عمومی است که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری، از بین رفتن زمینه‌ی رقابت سالم و فاسدشدن مأموران دولتی می‌شود. مأموران دولت بدین‌وسیله عادت می‌کنند که وظایف خود را جز با اخذ ما به ازای یا پاداشی از ارباب‌رجوع انجام ندهند. برای جلوگیری از این فساد، در اکثر کشورهای دنیا ارتکاب این‌گونه اعمال جرم و قابل مجازات شناخته شده است.

روش تحقیق: در این پژوهش از روش مطالعه توصیفی-تحلیلی برای یافتن و گردآوری اطلاعات استفاده شده است و برای تحلیل مسائل پیش‌رو و دست یافتن به نتیجه سعی شده از منابع مختلفی از جمله کتب و مقالات حقوقی منتشرشده به روش اسنادی بهره ببریم.

یافته‌ها: رشوه از ماده «رشو»، چیزی را گویند که برای کارسازی ناحق به کسی بدهند و در اصطلاح، به مال یا وجهی گفته می‌شود که از طرف کارکنان و مأمورین دولتی به سبب انجام وظیفه گرفته می‌شود. با توجه به معنای اصطلاحی رشوه، مفاهیم رشاء و ارتشاء به ترتیب عبارت‌اند از: رشوه دادن و رشوه گرفتن.

از نظر حقوقی، جرم ارتشاء از جرایم عمومی غیرقابل‌گذشت است و البته گیرنده وجه یا مال باید با علم و اطلاع و سوءنیت اقدام به گرفتن وجه یا مال کند و به جرم بودن عمل خود آگاهی داشته باشد. همچنین قبول رشوه باید برای انجام یا ترك فعل در خصوص کاری باشد که مربوط به سازمان دولتی، قضائی و نهادها است. در صورتی‌که اخذ وجه یا مال یا سند وجه یا مال، به‌عنوان هبه یا قرض یا صلح باشد و بعداً مشخص شود که مقصود دهنده مال، کسب امتیاز یا انجام

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی- رئیس اداره حقوقی و امور نمایندگان مجلس فرماندهی انتظامی استان قم
^۲ دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی - مدرس دانشگاه

عملی خاص از سوی گیرنده مال بوده است، به لحاظ فقدان عنصر معنوی (سوءنیت و قصد)، جرم ارتشاء تحقق نمی‌یابد. **نتیجه:** امروزه رشوه‌خواری به اشکال و روش‌های گوناگونی بروز می‌یابد. تا جایی که حتی در قالب قراردادهای بین‌المللی و داخلی نیز ظاهر شده و به نحوی عمل می‌شود که کاملاً موجه و قانونی جلوه کند.

در کشور ایران بعد از پایان جنگ این عمل مذموم رشد بی‌سابقه‌ای یافته و مقنن بر آن شده با تشدید مجازات، درصد مقابله با آن برآید. از این‌رو در سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام "قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء" را تصویب کرد.

کلیدواژه: رشاء، ارتشاء، نظام حقوقی ایران، انگلستان، امنیت، آسایش عمومی.

۱- مقدمه

ارتکاب جرم ارتشاء در همه‌ی کشورها پیشینه طولانی دارد. ویل دورانت ضمن توصیف اوضاع اجتماعی عصر الیزابت (۱۶۰۳-۱۵۵۸ میلادی) از وضع نابسامان قانون و عدالت در آن دوران سخن گفته و اظهار می‌دارد که دادگاه‌ها عموماً فاسد بودند. یکی از اعضای پارلمان آن روزگار، قاضی را حیوانی خطاب کرده که برای نیم دوجین جوجه از یک دو جین جوجه قانون چشم می‌پوشد! شکسپیر، از قول لیر، می‌گوید «گناه را با طلا اندود کن تا نیزه‌ی نیرومند عدالت بدون آن‌که صدمه‌ای دیده باشد بشکند». گفته می‌شود حتی فرانسیس بیکن نیز برای تحصیل جاه و مال به کرات در مقام دادستانی، حق دفاع و عدالت را به نفع شاه زیر پا نهاد. در ایران هم اوضاع بر همین منوال بود و بسیاری از مقامات و مشاغل دولتی، تنها به دلیل «مداخل» و «رسوم» نهفته‌ی در آن‌ها برای افراد جاذبه داشت و حقوق رسمی قابل پرداخت به صاحبان مقامات، مبلغ قابل‌توجهی نبود. در همین دوران، چه بسیار مناصب و القابی که با پول خرید و فروش می‌شدند^۲ و چه بسیار قراردادهای و معاهداتی که حتی در سطح بین‌المللی، با رشوه دادن به یک یا چند صاحب‌منصب دولتی به نفع یک کشور خارجی منعقد می‌گشتند. در اسلام هم رشوه دادن و رشوه گرفتن

۱. ویل دورانت، آغاز عصر خرد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، ص ۱۵۸، مذکور در مرتضی راوندی، سیر قانون و دادگستری در ایران (تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸) ص ۲۸۲.

۲. در برخی از کشورها این کار صراحتاً در قانون جرم شناخته شده است. از جمله به‌موجب بخش‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ قانون جزای کانادا و فروش مشاغل و مناصب دولتی جرم است.

بسیار مذموم و ناپسند شمرده شده است. در قرآن کریم، «اکل مال بباطل» و «اکل السحت» منع شده که یکی از مصادیق آن‌ها رشوه خواری است. در برخی روایات، این کار هم‌پایه‌ی کفر به خدا دانسته شده است^۱ (میرمحمد صادقی ۱۳۹۲: ۲۰۱).

با شیوع جرایمی مثل کلاه‌برداری، اختلاس و ارتشاء، مخصوصاً در سال‌های اولیه پس از پایان یافتن جنگ، قانون‌گذار به فکر تشدید مجازات این جرایم افتاد و با توجه به عدم تأیید شورای نگهبان، «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری» در ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. ماده‌ی سه این قانون راجع به جرم ارتشا است. افزون بر این، با تصویب «قانون تعزیرات» در سال ۱۳۷۵ در مجلس شورای اسلامی، مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴ آن به جرایم رشاء و ارتشا اختصاص داده شد. با توجه به اشاره‌ی ماده ۵۹۲ «قانون تعزیرات» به ماده‌ی سه «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری» و نیز اینکه قانون اخیرالذکر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، تردیدی باقی نمی‌ماند که مواد «قانون تعزیرات» ناسخ ماده‌ی سه قانون تشدید مجازات مرتکبین مصلحت نظام نمی‌باشند و هدف از تصویب آن‌ها، اولاً تعیین مجازات برای راشی (که در «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری» مجازاتی جز ضبط اموال داده شده به‌عنوان رشوه برایش تعیین نشده بود) و ثانیاً تسری مجازات ارتشا به برخی اشخاص غیر مذکور در «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری»، ثالثاً پیش‌بینی پاره‌ای مقررات متفرقه (مثلاً راجع به شروع به ارتشا و نظایر آن) بوده است. بدین ترتیب، عنصر قانونی جرایم رشاء و ارتشا را باید در میان مواد مورداشاره و نیز قوانین متفرقه‌ای که گاه‌وبی‌گاه در مورد انواع خاصی از این جرم به تصویب مقنن رسیده است (میرمحمد صادقی ۱۳۹۲: ۲۰۶).

رشاء (رشوه دادن) و ارتشاء (رشوه گرفتن) از جمله جرایم علیه آسایش عمومی‌اند که موجب سلب اعتماد مردم نسبت به هیئت حاکمه و نظام اجرایی و اداری و از بین رفتن اطمینان عمومی نسبت به کارکنان اداری و مأموران می‌شوند و زمینه ترویج فساد مالی را برای سایرین فراهم می‌کنند (پیمانی ۱۳۸۵: ۶۷).

۳. آیه‌ی ۱۸۷ سوره بقره و آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مائده.

رشاء و ارتشاء تقریباً با روی کارآمدن نهادهای عمومی در جوامع بشری ظهور می‌یابند، به طوری که در طول تاریخ داستان‌های زیادی در این خصوص به چشم می‌خورد. مولوی می‌گوید:

جهل را بی‌علتی عالم کند علم را علت ز دل‌ها برکند
تا تو رشوت نستی بیننده‌ای چون طمع کردی ضریر و بنده‌ای

۲- بررسی قوانین مرتبط با رشاء و ارتشاء در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، هرچند در مواردی به دلیل وجود سمت دولتی مرتشی (رشوه گیرنده)، مجازات‌های انتظامی از قبیل اخراج، بازنشستگی یا انفصال از خدمات دولتی علاوه بر مجازات‌های عمومی جرم، به وی اعمال می‌شود (قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷ با اصلاحات بعدی) یا در مواردی به دلیل مشاغل خاص متهم، این مجازات‌ها تشدید می‌شود (مواد موضوع فصل یازدهم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۹)، اما در بیشتر موارد، رسیدگی به جرم رشاء و ارتشاء تابع ماده سه قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ و مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی است. آنچه از مجموع مقررات یادشده برداشت می‌شود این است که تلاش مقنن بر آن بوده تا بر اساس میزان رشوه دریافتی و نیز بر اساس مقام رشوه گیرنده، مجازات را تشدید کند. به همین دلیل است که مجازات راشی (رشوه دهنده) همواره بین شش ماه تا سه سال است، اما مجازات مرتشی (رشوه گیرنده) بر حسب میزان رشوه دریافتی و مقام وی می‌تواند بین شش ماه تا سه سال (حداقل) و ۵ سال تا ۱۰ سال (حداکثر) متغیر باشد. به علاوه، چنانچه متهمان به نحو شبکه‌ای و گروهی اقدام به اخذ رشوه کنند، مجازات حبس آن‌ها بین ۱۵ سال تا حبس ابد خواهد بود. نظام حقوقی ایران رشوه دادن به مقامات رسمی بیگانه را جرم‌انگاری نکرده، اما شاید مهم‌ترین ضعف آن در مقایسه با قانون جدید مبارزه با ارتشاء انگلستان، عدم پیش‌بینی مجازات برای اشخاص حقوقی است. در نظام حقوقی ایران، پیش‌بینی مسئولیت کیفری و به تبع آن مجازات اشخاص حقوقی، غیرمعمول و تعریف نشده است؛ در موارد بسیار معدودی هم که رویه قضایی اقدام به تسری پاره‌ای اقدامات پیشگیرانه کیفری نسبت به اشخاص حقوقی کرده است، این اقدامات بدون اتکا به پشتوانه

قانونی مناسب و بیشتر از روی ابتکار شخصی بوده که مورد اعتراض قاطبه حقوقدانان واقع شده است. در حال حاضر در نظام حقوقی ایران بیشترین میزان دست‌اندازی قانون به اشخاص حقوقی، مجازات مدیرعامل یا هیئت‌مدیره (حسب مورد) به سبب جرائم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی است. این در حالی است که در حال حاضر بیشترین و بالاترین میزان ارتكاب رشاء در رابطه اشخاص حقوقی با دستگاه‌های دولتی و عمومی رخ می‌دهد. باید پذیرفت مجازات عوامل اجرایی اشخاص حقوقی در حالی که خود شخص حقوقی (که منتفع اصلی از منافع حاصل از جرم است و در عمل از مجازات اعمال شده بر اشخاص حقیقی ضرر چندانی نمی‌بیند) پابرجاست، نه تنها مخالف اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، بلکه فاقد اثر بازدارنده بر سایر مرتکبین نیز هست. شایسته است نظام حقوقی ایران با الهام از قوانین جدید کشورهای که از لحاظ سلامت دستگاه اداری در جایگاه مطلوبتری به سر می‌برند، نسبت به تسری مجازات‌های مالی نسبت به اشخاص حقوقی اقدام کند و دستکم آن‌ها را به دلیل نداشتن سازوکار مناسب داخلی برای جلوگیری از ارتكاب این جرم، مسئول بداند تا به این ترتیب قوانین مربوط به مبارزه با رشاء و ارتشاء کارآیی بیشتری بیابد. در خاتمه نمی‌توان انکار کرد حسابداران و حساب‌برسان از طریق ایجاد سازوکارهای داخلی مناسب با هدف سلامت مالی و به‌ویژه با نظارت و ردیابی وجوه استفاده شده در ارتكاب جرم رشاء، قادر به ایفای نقش مؤثری در جلوگیری از ارتكاب این جرم توسط شخصیت‌های حقوقی هستند (بازگیر ۱۳۸۱: ۹۷).

۳- تعاریف رشاء و ارتشاء

رشاء یعنی چه؟ ارتشاء چه معنایی دارد؟ آیا رشاء و ارتشاء در ایران جرم‌انگاری شده‌اند؟ مجازات ارتكاب جرایم رشاء و ارتشاء چیست؟ عناصر تشکیل‌دهنده جرم رشاء و ارتشاء چیست؟

حکم اسلام در خصوص رشاء و ارتشاء چیست؟

رشوه‌خواری از جمله جرائم مذمومی است که تاریخی کهن در تاریخ بشریت دارد. این جرم در واقع دو جرم است یعنی یک جرم که توسط دو نفر انجام می‌شود و برای هر یک از طرفین آن عنوان مجرمانه جداگانه‌ای تعریف شده است.

۱-۳- رشوه: در لغت یعنی چیزی که به کسی بدهند که کاری برخلاف وظیفه خود انجام بدهد یا حق کسی را ضایع و باطل

کند یا حکمی برخلاف حق و عدالت بدهد. در پارسی بلکفند و بلکفت هم گفته شده است.

۲-۳- رشاء یعنی چه؟

رشاء در لغت یعنی ریسمان، رسن به فعل رشوه دادن رشاء گفته می‌شود و به فردی که رشوه می‌دهد راشی.

۳-۳- ارتشا یعنی چه؟

اسم مفعول رشاء است و به فعل رشوه گرفتن ارتشا می‌گویند و گیرنده رشوه مرتشی نام دارد (لنگرودی ۱۳۸۳: ۱۵۴).

۴- تاریخچه جرم رشاء و ارتشا

شاید بتوان دو جرم «رشاء» و «ارتشاه» را از قدیمی‌ترین جرایم تاریخ کیفری بشر دانست. سابقه تاریخی این دو جرم، به زمانی بازمی‌گردد که بشر، احساس نیاز به داوری و قضاوت نزد شخص ثالث را احساس کرد؛ یعنی از زمان پیدایش اولین مجموعه‌های بشری. انسان از همان روزهای اول که زندگی اجتماعی را در این کره خاکی آغاز کرد، برای برطرف کردن تزاخم حقوقش با حقوق دیگری، ناچار به درگیری یا حل‌وفصل مسالمت‌آمیز دعوا شد. حل‌وفصل مسالمت‌آمیز هم جز از راه سپردن داوری به شخص ثالث، قابل‌اعتنا و اقناع آور نبود. مراجعه به این اشخاص ثالث بود که زمینه را برای بروز «ارتشاه» و رشاه فراهم کرد. هرکدام از طرفین، برای اینکه حتماً به نتیجه مطلوب خود برسند، راه‌های فرعی دیگری، غیر از ارائه اسناد و شواهد، پیش گرفتند: یکی برای احقاق حقش و دیگری برای اثبات باطلش. داوران و قضات هم به دلیل داشتن خصایص بشری، همچون طمع و دنیا دوستی، زمینه را برای ارضای حوایج خود مهیا دیدند... و بدین سان، دو جرم «رشاه» و «ارتشاه» پا بر عرصه وجود نهادند!

در مقابل، حکومت‌ها به دلیل اینکه این جرایم را مخل نظام حاکم و موجب بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت می‌دانستند، مجازات‌های بسیار شدیدی برای آن‌ها در نظر گرفتند. به‌عنوان مثال، در تاریخ هردوت آمده است که کمبوجیه، دومین پادشاه هخامنشی، دستور داد تا سیسامنس، یکی از قضات بزرگ را به جرم دریافت رشوه اعدام کنند، پوست از تنش جدا کنند و آن پوست را بر مسند قضاوت پهن کنند. سپس پسر آن قاضی را به‌جای او منصوب کرد و به او یادآوری کرد که بر چه جایی نشسته است (میرمحمد صادقی ۱۳۸۱: ۲۱۱).

۵- عنصر مادی جرم رشاء و ارتشا

۵-۱- قبول وجه یا مال یا سند پرداخت

برای تحقق عنصر مادی جرم، لازم است مرتکب، وجه یا مال و سند را به صورت‌های مندرج در ماده در برابر انجام یا عدم انجام کاری پذیرفته باشد، در غیر این صورت، یعنی در صورتی که مأمور دولت (قاضی و مستخدم و کارمند و نظامی و...) بدون وعده انجام کار یا ترک فعلی، صرفاً خرید و فروش کرده یا چیزی را مثل دیگران معاوضه کند یا فی‌المثل قرض‌الحسنه‌ای بگیرد، بدون آنکه این اعمال عوض اقدام طرف دیگر باشد، مشمول حکم فوق‌الاشعار نخواهد بود.

۵-۲- قبول رشوه باید برای انجام یا ترک فعل در خصوص کاری باشد که مربوط به سازمان دولتی یا خدمات عمومی است. جزء دیگر عنصر مادی جرم، این است که قبول مال یا وجه یا... از طرف مأمور دولتی به منظور انجام یا ترک کاری که مربوط به سازمان‌های دولتی قضایی یا نهادها و شوراها و... است باشد، هرچند ممکن است، دهنده مال کاری نزد خود گیرنده نداشته باشد. انجام یا عدم انجام کار موردنظر نیز شرط تحقق عنوان رشوه (رشاء) نیست. دهنده مال درخواست خود، چه به حق باشد یا بر باطل فرقی نمی‌کند؛ یعنی اگر در اقسام مورد درخواست، محق هم باشد، مانع تحقق جرم ارتشاء نخواهد بود. بر این اساس، برای تحقق عنصر مادی جرم، لازم است مستخدم دولت از قاضی یا کارمند و... پول یا مال یا سندی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم (از شخص ثالث) بگیرد که برای او کاری، اعم از فعل یا ترک فعل انجام دهد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۱: ۲۱۳).

۶- عنصر معنوی جرم رشاء و ارتشاء

می‌دانیم که این جرم، از جمله جرایم عمومی است. علی‌هذا گیرنده وجه یا مال باید با علم و آگاهی و سوءنیت، اقدام به گرفتن وجه یا مال کند. در واقع، گیرنده می‌داند که از مقام و موقعیت خود سوءاستفاده می‌کند و با علم به اینکه در مقام تخلف و سوءاستفاده است، مبادرت به عمل می‌نماید. با توجه به این عنصر، در صورتی که گیرنده مال یا چک یا سند یا پول به عنوان قرض‌الحسنه یا هبه یا صلح، مالی را از کسی بگیرد و بعداً مشخص شود که مقصود دهنده مال، امضای سند خاص یا گرفتن همان امتیاز و... بوده، نظر به

نبودن عنصر معنوی جرم ارتشاء تحقق نخواهد یافت. در واقع، در اخذ مال باید کارمند دولت قصد مجرمانه داشته باشد. با دقت در نظریه اداره حقوقی، ملاحظه می‌شود که این اداره برای تحقق جرم ارتشاء، اخذ مال را لازم دانسته است. به عبارت دیگر، باید گفت، غایت و نتیجه مطلوب و مورد نظر متهم در بزه ارتشاء، بهره‌مندی از مال رشوه‌دهنده است و اگر سند پرداخت وجه یا سند تسلیم مالی قبول می‌کند، از این جهت است که این سند، وسیله مطمئن برای دسترسی به مال است. مضافاً به اینکه در نظر او قبول سند تسلیم مال یا وجه، نسبت به اصل مال یا وجه دارای سهولت بیشتری است و امکان رسیدن به مال یا وجه را به‌دوراز چشمان مراقب بیشتر فراهم می‌آورد. پس اگر این وسیله، قابل بهره‌برداری نشد و بزه‌کار به دلایل مختلف وجه موضوع سند را تحصیل نکرد، چگونه می‌توان گفت که غایت و مطلوب وی در جرم ارتشاء محقق شده است؟ بنابراین تا زمانی که مرتشی در نتیجه اقداماتی که انجام داده به مال یا وجه دسترسی پیدا نکند، ارتشا هرگز محقق نشده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

۷- عنصر قانونی جرم رشاء و ارتشا

ماده اصلی مربوط به جرم ارتشاء (دریافت رشوه)، ماده ۳ قانون «تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» به همراه پنج تبصره آن است. بر اساس این ماده:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طورکلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آن‌ها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد، به ترتیب زیر مجازات می‌شود...» علاوه بر این، قانون مجازات اسلامی نیز در

مواد متعددی با استناد به ماده فوق‌الذکر، «رشاء» (پرداخت رشوه) و نیز اشکال دیگر ارتشاء را به فهرست کیفری افزوده است. ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی، ناظر به جرم «رشاء» بیان می‌دارد که: «هر کس عالمّاً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید ارتشاء، اختلاس و کلاه‌برداری مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام است وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و به‌عنوان مجازات، علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء، به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

ماده ۵۹۰ ق.م.ا نیز برای مسدود کردن راه‌های فرعی پرداخت و دریافت رشوه، بیان می‌دارد:

«اگر رشوه به‌صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به‌مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین و مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود.»

۸- شروع به ارتکاب رشاء و ارتشاء

جای طبیعی بحث از شروع به جرم، از این‌جهت که عنصر مادی ناقص، در مقایسه با جرم تام است، در پایان بحث از عنصر مادی جرم است. در شروع به ارتکاب جرم، علی‌رغم این‌که هنوز ضرری به جامعه وارد نشده، شروع‌کننده را به دلیل حالت خطرناکی که از خود نشان داده است، مجازات می‌کنیم. البته شرع به ارتکاب جرم مثل هر جرم دیگری در صورتی قابل مجازات خواهد بود که قانون به این امر تصریح کرده باشد. به‌علاوه، «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه‌ی جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نیست.»

در «قانون تشدید...» و «قانون تعزیرات» حکمی راجع به شروع به رشاء یافت نمی‌شود. لیکن شروع به ارتشاء در تبصره‌ی سه ماده‌ی «قانون تشدید...» و نیز ماده‌ی ۵۹۴

«قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، پیش‌بینی و در هر دو مورد «حداقل مجازات مقرر» در جرم تام برای شروع‌کننده در نظر گرفته شده است. به علاوه، طبق تبصره‌ی سه مذکور، در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد، مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد. با توجه به اینکه محکوم کردن مرتکب هم به مجازات شروع به ارتکاب جرم و هم به مجازات جرم خاصی که وی مرتکب آن شده با اصول پذیرفته شده‌ی حقوق کیفری در تعارض به نظر می‌رسد و با توجه به اینکه ماده‌ی مؤخر التصویب ۵۹۴ (که در حال حاضر جای خود را به ماده‌ی ۱۲۲ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲ داده است) فقط به تحمیل مجازات شروع به جرم بر مرتکب اشاره کرده و سخنی از تحمیل مجازات جرم خاص ارتکاب یافته از سوی او به میان نیاورده است، باید در مواردی که عمل انجام شده از سوی مرتشی عنوان مجرمانه‌ی خاصی ندارد وی را به تحمل مجازات مقرر برای شروع به جرم ارتشاء و در مواردی که اعمال انجام شده از سوی او عنوان مجرمانه‌ی خاصی دارد، وی را بر اساس ماده‌ی ۱۳۱ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، مشمول مقررات تعدد معنوی بدانیم. بدین ترتیب و برای پرهیز از اینکه مرتکب به خاطر یک عمل دو مجازات را تحمل کند، می‌توانیم قائل به آن شویم که منظور از عبارت «در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد» در تبصره‌ی سه ماده‌ی سه «قانون تشدید...» اشاره به اعمال مقدماتی انجام شده و نه همان فعلی است که در عین حال شروع به جرم هم است. برای مثال، هرگاه کارمند دولت جهت قانع کردن از ارباب رجوع نسبت به اعطای رشوه به وی، با جعل اسنادی، خود را فرد بسیار ذی نفوذی وانمود کرده باشد، ولی در حین قبض و اقباض مال دستگیر شود، وی را می‌توان هم به مجازات جعل و هم به مجازات شروع به ارتشاء محکوم کرد. لیکن هرگاه خود عمل شروع به ارتشاء در عین حال جرم دیگری نیز باشد، جمع دو مجازات امکان پذیر نخواهد بود. تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۲۸ «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح» مصوب سال ۱۳۸۲، از این لحاظ بهتر نوشته شده و اشعار می‌دارد «در صورتی که عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده خود مستقلاً جرم باشد مرتکب به مجازات همان جرم محکوم می‌گردد». در هر حال، لازم به ذکر است که با توجه به اینکه «قانون تشدید...» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، باید همچنان مفاد تبصره‌ی سه ماده‌ی سه آن را در

مورد شروع به جرم ارتشا مجری دانسته، ولی در مورد شروع به رشاء بر اساس مفاد ماده‌ی ۱۲۲ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲ عمل نمود. البته به نظر می‌رسد که چون مجازات رشاء، بر اساس ملاک مبهم مذکور در ماده‌ی ۱۹، حبس از درجه‌ی یک تا پنج نیست و خفیفتر از آن است و با توجه به این‌که ماده‌ی ۱۲۲ صرفاً برای شروع به جرایمی که مجازات حبس آن‌ها از درجه‌یک تا پنج است مجازات تعیین کرده است، باید گفت که شروع به رشاء، حتی با تصویب «قانون مجازات اسلامی» در سال ۱۳۹۲، همچنان از نظر قوانین ایران جرم نبوده و بدون مجازات است.

در تعیین حداقل مجازات حبس قابل‌اعمال در مورد شروع‌کننده مشکلی وجود ندارد، لیکن در مواردی که برای جرم تام مجازات انفصال دائم پیش‌بینی شده نمی‌توان حداقلی برای آن تعیین و همان را بر شروع‌کننده تحمیل نمود. به همین دلیل، تبصره‌ی سه ماده‌ی سه «قانون تشدید...» اشعار داشته «در مواردی که در اصل ارتشا انفصال دائم پیش‌بینی شده است در شروع به ارتشا به‌جای آن سه سال انفصال تعیین می‌شود».

مواردی که مجازات جرم تام (یکی از مجازات‌های) جزای نقدی معادل وجه مأخوذ تعیین شده است، معمولاً در شروع به جرم مشکل‌زا نخواهد بود؛ زیرا در شروع به جرم هنوز وجهی اخذ نشده تا بتوان میزان آن را تعیین و به‌عنوان جریمه بر مرتکب تحمیل نمود؛ بنابراین چنین مجازات‌هایی در شروع به جرم مورد پیدا نمی‌کند تا قبال بحث باشد.

در مواردی که یکی از مجازات‌های که باید همراه با مجازات حبس بر مرتکب تحمیل شود حداکثر ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده است، شاید حداقل مجازات را بتوان یک ضربه شلاق دانست که البته مجازات نامعقولی به نظر می‌رسد و قانون‌گذار باید در این مورد حداقل مجازاتی را که باید برای شروع‌کننده تعیین شود مشخص نماید.

اینک باید به بحث در مورد این موضوع بپردازیم که آیا اساساً شروع به ارتشا قابل‌تصور است یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، مصادیق و نمونه‌های آن چیست. قبل از پرداختن به این بحث در حقوق ایران و ارائه پاسخ‌های لازم، اشاره مختصری به بحثی که برخی از حقوقدانان مصری در این زمینه ارائه کرده‌اند، مطابق «قانون عقوبات» مصر، ارتشا با تحقق یکی از سه فعل درخواست (طلب)، گرفتن (اخذ) و پذیرفتن (قبول) محقق می‌شود. در مورد «درخواست»، برخی

حقوقدانان این کشور معتقدند که تصور شروع به جرم در این حالت ممکن نیست؛ زیرا درخواست یا مطرح می‌شود یا خیر و حالت بینابینی که بتوان آن را شروع به ارتشا دانست وجود ندارد. برخی دیگر معتقدند هرگاه کارمند درخواست خود را مطرح کند، ولی این درخواست به سمع اربابرجوع نرسد (مثل اینکه آن را به شخص ثالثی گفته یا به وسیله نامه برای اربابرجوع پست کند، ولی قبل از که درخواست به سمع و نظر طرف اصلی برسد، کارمند درخواست‌کننده دستگیر شود) وی مرتکب شروع به ارتشا شده است.

در حالت دوم، یعنی «گرفتن»، هرگاه مستخدم حین گرفتن مال دستگیر شود، وی را می‌توان به شروع به اخذ رشوه محکوم کرد. در حالت سوم، یعنی «پذیرفتن»، معمولاً حقوقدانان مصری شروع به ارتکاب ارتشا را ممکن نمی‌دانند؛ زیرا پذیرفتن در واقع ابراز اراده‌ی کارمند برای قبول رشوه است و در یک لحظه رخ می‌دهد، بدون آن‌که قبل از آن چیزی که بتوان آن را تحت عنوان شروع به جرم مجازات کرد وجود داشته باشد. البته در این مورد هم بعید نیست بتوان گفت که هرگاه کارمند مراتب پذیرش خود را نسبت به پیشنهاد پرداخت رشوه به اطلاع کسی، جهت اعلام به اربابرجوع، رسانیده باشد، در همین حد شروع به ارتشا از سوی او محقق شده است.

قانون ایران، همان‌طور که قبلاً ملاحظه کردیم، از میان این سه حالت فقط اخذ یا گرفتن را ارتشا می‌داند. بعید به نظر می‌رسد که بتوان صرف بیان درخواست را به منزله‌ی شروع به ارتکاب ارتشا دانست، بلکه بیان بیشتر مقدمات بعیده‌ی جرم شبیه است تا به عملیات اجرایی آن و بنابراین، طبق ماده‌ی ۱۲۳ «قانون مجازات اسلامی»، شروع به جرم محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب، برای تحقق شروع به ارتشا حداقل باید «توافق» بین طرفین، به‌عنوان زیربنای جرایم رشاء و ارتشا، حاصل شده باشد، هرچند که راشی نتوانسته است مال را به دست مرتشی برساند، مثل اینکه آن‌ها در حین قبض و اقباض مال دستگیر شده یا مالی که راشی برای مرتشی، پیرو توافق آن‌ها، پست کرده در بین راه به دست پلیس افتاده باشد و یا اینکه معامله‌ای که بین طرفین با بهای غیرواقعی انجام شده است باطل بوده باشد. در همین‌جا خوب است به این نکته اشاره شود که نمی‌توان گفت که «به‌محض دادن مال عنوان راشی برای دهنده محقق می‌شود و لو آن‌که طرف مقابل مال را نپذیرد و رد کند»؛ زیرا «دادن» مال در

صورتی به وقوع می‌پیوندد که «گرفتنی» در کار باشد و بنابراین، مالی که «گرفته» نشده در واقع «داده» نشده است تا بتوان دهنده‌ی آن را راشی محسوب کرد.

۹- جرم رشاء و ارتشا در کشورهای مختلف

۹-۱- کانادا

جرایم رشاء و ارتشا در بخش‌های ۱۰۸ و ۱۰۹ «قانون جزا» در رابطه با اشخاصی مثل قضات، مأموران پلیس، اعضای پارلمان و نظایر آن‌ها پیش‌بینی شده است. دادن یا گرفتن هر چیز ارزشمندی به قصد رسیدن به یک هدف فسادآلود، یعنی به قصد انجام یا وادار کردن طرف به انجام کاری در محدوده‌ی وظایفش، در قانون جزای کانادا جرم شناخته شده است.

۹-۲- نیوزلند

اتخاذ موضع مشابهی در بخش ۹۹ «قانون جرایم» نیوزلند مصوب سال ۱۹۶۱، مشاهده می‌شود که در آن ارتکاب این جرم، علاوه بر قضات و مأموران قضایی، در مورد سایر مقامات نیز پیش‌بینی شده است. دادن و گرفتن و پیشنهاد دادن و گرفتن هر چیز ارزشمند (از جمله شغل) و شروع به آن با قصد فسادآلود جرم شناخته شده است.

۹-۳- ژاپن

وزارت امور خارجه ژاپن در دوم اکتبر ۱۹۹۷، اعلام کرد اقداماتی جهت مقابله با پرداخت رشوه در ارتباط با کمک‌های این کشور برای کمک به توسعه کشورهای خارجی انجام خواهد داد. مطابق این اقدامات، از ماه مارس ۱۹۹۸، در کلیه قراردادهای منعقد شده بین این کشور و کشورهای خارجی و از جمله در قراردادهایی که کشورها با صندوق همکاری اقتصادی بین‌المللی منعقد می‌کنند، باید ممنوع بودن پرداخت رشوه صراحتاً ذکر شود. این اقدامات در مورد ۱۶۰ کشوری که ژاپن وام‌ها و کمک‌هایی را به آن‌ها ارائه می‌کند، اعمال خواهد شد. در سال‌های قبل از آن، گاهی چنین رشوه‌هایی به مقامات دریافت‌کننده‌ی کمک‌ها پرداخت می‌شد. با توجه به این‌که دولت ژاپن در حال حاضر بیشترین کمک‌ها و وام‌های اقتصادی را در اختیار سایر کشورها قرار می‌دهد که میزان آن در سال مالی ۱۹۹۵ به ۱۰۶/۱ تریلیون یین (حدود

۹/۲ میلیارد دلار) بالغ شده است، انجام این اقدامات از سوی این کشور مهم و قابل توجه است.

۴-۹- چین

بنا به گزارش دادستان کشور چین بیش از هزار نفر از مقامات حزب کمونیست و دولت چین، حدود ۳۵۰۰ نفر از مقامات قضایی، ۱۷۶۹ نفر از بخش اقتصادی و ۷۸۸۶ نفر از شاغلین در مؤسسات تحت مالکیت دولت در طول نیمه اول سال ۱۹۹۹ میلادی به اتهام رشوه خواری و فساد تحت تعقیب قرار گرفته اند و در مجموع ۱۸۰۰۰ پرونده در این مدت مورد رسیدگی قرار گرفته است.

۵-۹- فرانسه

در فرانسه، وزیر خارجه سابق این کشور از پرداخت رشوه به تایوان و چین در سال ۱۹۹۱ در جریان قرارداد فروش ناوچه های فرانسوی به تایوان خبر داده است. به گفته ی وی یک شرکت کشتی سازی فرانسه برای عقد قرارداد ۲/۸ میلیارد دلاری فروش شش ناوچه ی جنگی با تایوان خبر داده است (بازگیر ۱۳۸۱:۱۰۲).

۱۰- بررسی قانون جدید مبارزه با رشاء و ارتشا در انگلستان

قانون ارتشا مصوب سال ۲۰۱۰ در انگلستان، صراحتاً دادن یا گرفتن مزایای مالی یا غیرمالی را به عنوان پاداشی برای کاری که به شکل نادرست انجام شده از مصادیق رشاء و ارتشا دانسته است.

از آنچه در مورد لزوم وجود یک توافق صریح یا ضمنی بین راشی و مرتشی از نظر حقوق ایران گفتیم نباید استنباط کرد که محکومیت کسی به رشوه گرفتن حتماً مستلزم محکوم کردن دیگری به رشوه دادن است، زیرا چه بسا یکطرفه، بنا به علل شخصی مثل برخورداری از دفاعی چون اضطرار، مذکور در تبصره ی ماده ی ۵۹۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ یا برخورداری از حق مذکور در ماده ی ۵۹۱ قانون تعزیرات یا نداشتن عنصر روانی لازم (مثلاً جدي نبودن در اخذ یا اعطای مال، علیرغم تظاهر به آن) از تعقیب کیفری معاف ولی طرف مقابل محکوم شود. در این مورد، دیوان عالی کشور طی رأیی اظهار داشته است: «... ارتشا عبارت از این است که کارمند دولتی یا مملکتی یا بلدی وجه مالی به منظور

انجام دادن یا انجام ندادن امری که ... مربوط به وظیفه‌ی اوست از کسی بگیرد و اگر دهنده‌ی وجه در حقیقت قصد دادن رشوه را به مشارالیه نداشته باشد، تأثیری در رفع مسئولیت کیفری او ندارد. چنانکه، بالعکس اگر کسی به منظور انجام وظیفه یا عدم انجام وظیفه ... چیزی به کارمند دولتی و مملکتی و بلدی بدهد و محقق شود که گیرنده‌ی آن بدون قصد انجام منظور او به اغراض دیگری، از قبیل اطلاع دادن به مقامات مربوطه و اعلام جرم بر دهنده‌ی آن، گرفته و به هیچ وجه قصد ارتشا نداشته است، در این صورت دهنده‌ی وجه راشی محسوب می‌شود، بدون اینکه گیرنده‌ی آن مرتشی شناخته شود و به عبارتی دیگر بین راشی و مرتشی ملازمه دائمی نیست و به طور مختلف ممکن است دادن رشوه به وجود عناصر قانونی آن تحقق یابد، بدون این که مرتشی در بین باشد و بالعکس» (میرشاهی ۱۳۹۰: ۲۱).

البته اگر متهم به اخذ رشوه، به علل غیرشخصی از جرم انتسابی برائت حاصل کند (مثلاً به دلیل جنبه‌ی مالی نداشتن چیز داده یا گرفته شده در حقوق ایران)، محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود، چنانکه اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی سابق‌الذکر اظهار داشته است و در حقوق انگلستان نیز محکومیت راشی و مرتشی لازم و ملزوم یکدیگر نیست. بدین ترتیب و با توجه به این که صرف ارائه پیشنهاد رشوه در حقوق انگلستان جرم محسوب می‌شود، هرگاه کسی به دیگری پیشنهاد دادن یا گرفتن رشوه را بدهد ولی او نپذیرد، تنها طرف اول محکوم خواهد شد.

نکته‌ی دیگری که موضع قانون ایران را در محدود کردن این جرم به مواردی که یک چیز مادی به کارمند داده می‌شود انتقادپذیر می‌سازد، آن است که گاه مابه‌ازاهای غیرمالی و سوسه کننده‌تر و فساد انگیزتر هستند و بنابراین، خارج کردن آن‌ها از شمول مقررات راجع به رشوه صحیح به نظر نمی‌رسد. بدین ترتیب، هم فایده‌ی مادی (مثل دادن پول که آن را می‌توان یک فایده و نفع مادی مستقیم دانست، یا خریدن ملک کارمند به قیمت بالاتر فروختن چیزی به او به قیمت کمتر از قیمت بازار که نفع مادی غیرمستقیم برای او در بر دارد) مشمول عنوان رشاء و ارتشا قرار می‌گیرد و هم فایده غیرمادی (مثل استخدام کردن یکی از خویشاوندان کارمند مربوطه). جالب این که در میان فقها نیز کسانی هستند که حتی مدح و ثنا گفتن قاضی را در صورتی که به

انگیزه‌ی ترغیب وی به صدور حکم به نفع شخص مدح‌کننده انجام شود، از مصادیق رشوه محسوب نموده‌اند. البته برخی دیگر نیز این عمل را از باب «اعانت بر ظلم» قابل مجازات می‌دانند (میرشاهی ۱۳۹۰: ۲۲).

در انگلستان، قانون مصوب سال ۲۰۱۰ به هرگونه مزایای مالی و غیرمالی اشاره کرده و در نتیجه، به‌طور کامل و کم‌اشکال نگاشته شده و از این لحاظ ابهامات قانون ایران را ندارد. بدین‌ترتیب، رشوه طبق حقوق انگلستان لزوماً جنبه‌ی مالی ندارد و شامل مزایای غیرمالی، ازجمله الطاف و توجهات جنسی، به‌شرط آن‌که منظور از آن‌ها اغوای طرف یا پاداش دادن به وی باشد، هم می‌شود.

در بحث از شرایط تحقق جرایم رشاء و ارتشا آن است که هرچند جنبه‌ی مالی و مادی داشتن آنچه داده و گرفته می‌شود شرط تحقق این جرایم در حقوق ایران است، به‌نظر می‌رسد هرگاه مال ارزش بسیار کمی داشته باشد، به‌طوری‌که نتوان آن را نسبت به کار مورد انتظار اغواکننده دانست، مثل اینکه ارباب‌رجوعی مشتی پسته یا یک جعبه شیرینی یا یک بسته کبریت را به کارمند دولت بدهد، نتوان احکام کیفری حقوق ایران راجع به رشاء و ارتشا را در چنین موردی اعمال کرد. همین موضع در حقوق انگلستان پذیرفته شده است. در یک پرونده‌ی قدیمی در انگلستان، قاضی مربوطه اظهار داشت که وی سوگند یاد کرده از هیچ طرف دعوی هدیه‌ای نپذیرد، مگر آنکه هدیه خوردنی یا نوشیدنی با بهای اندک باشد.

پنهانی بودن عمل دادن یا گرفتن مال ازجمله شرایط رشاء و ارتشا نیست، بنابراین، حتی در صورت علنی بودن این کار نیز جرایم مورد بحث، باوجود سایر شرایط، ارتکاب می‌یابند. پنهانی بودن تنها ممکن است قرینه‌ای باشد برای احراز سایر شرایطی که جهت تحقق عناصر مادی و روانی جرم لازم هستند. موضع انگلستان در این مورد مشابه حقوق ایران است.

قانون جدید مبارزه با ارتشا در انگلستان در آوریل سال ۲۰۱۰ تصویب شد و از سال ۲۰۱۲ در این کشور به اجرا درمی‌آید. هدف از تصویب این قانون، مبارزه مؤثرتر با رشاء و ارتشا است تا بدین‌وسیله حکومت قانون، حفظ سلامت نظام اقتصادی و مدیریت بر عملکرد اشخاص حقوقی و سلامت نظام اداری به شکل بهتری تضمین شود.

بر اساس این قانون، چهار گروه از افعال جرم‌انگاری شده‌اند:

۱- رشوه‌دهی به دیگران (موضوع فصل اول قانون) پیشنهاد یا عرضه امتیازات مالی یا غیرمالی به دیگری به‌منظور انجام وظایف یا امور محوله به شکل غیر صحیح یا دادن پاداش به دیگری برای انجام ندادن وظایف خود به شکل صحیح، جرم محسوب می‌شود.

۲- جرایم مربوط به رشوه‌گیری (موضوع فصل دوم قانون) دریافت یا قبول امتیاز مالی یا غیرمالی برای انجام وظایف یا امور محوله به طریق ناشایست و خلاف عرف و قانون، جرم محسوب می‌شود.

وظایف و امور محوله از جمله عبارت‌اند از: هرگونه وظیفه‌ای با ماهیت خدمت عمومی، هر فعالیتی که مرتبط با شغل متصدی دولتی باشد و همچنین هر فعالیتی که در جریان انجام خدمت کارمند شاغل در بخش عمومی انجام می‌شود و نیز هر فعالیتی که با واسطه یا بدون واسطه به وسیله گروهی از مستخدمین انجام می‌شود، خواه داخل مرزها یا خارج از کشور باشد، از این جمله است.

۳- رشوه دادن به مقامات رسمی خارجی (موضوع فصل ششم قانون)

پیشنهاد یا عرضه امتیاز مالی یا غیرمالی به یک مقام رسمی بیگانه^۱ به صورت مستقیم یا از طریق شخص ثالث به‌منظور تأثیرگذاری بر وی به اعتبار سمتش و به‌منظور سوء استفاده از سمت و نفوذ او برای به دست آوردن امتیازی در انجام فعالیت‌های تجاری و غیره، جرم محسوب می‌شود.

مقام رسمی بیگانه عبارت از هر فردی است که مقام تقنینی، اجرایی یا قضایی از هر نوع در خارج از بریتانیا دارد یا مسئول اجرای خدمتی عمومی در خارج از بریتانیا باشد یا نماینده یا مأمور یک سازمان بین‌المللی عمومی باشد.

۴- ممانعت نکردن از ارتشا توسط نهادهای تجاری (موضوع فصل هفتم قانون)

چنانچه اشخاص مرتبط یا وابسته به یک نهاد تجاری (مانند شرکت تجاری یا شرکت مدنی تبعه بریتانیا) به شخص دیگری رشوه دهند تا بدین‌وسیله مجوز فعالیت جدیدی را به نفع آن نهاد تجاری به دست آورده و یا فعالیت و تجارت خود را

حفظ یا گسترش دهند یا در زمینه آن امتیازی را تحصیل یا حفظ کنند؛ نهاد تجاری مزبور مرتکب جرم شده است. همان‌گونه که عنوان شد، این جرم می‌تواند داخل یا خارج از بریتانیا رخ دهد.

اشخاص وابسته به اشخاصی اطلاق می‌شود که در خدمت سازمان هستند یا از طرف سازمان کاری انجام می‌دهند؛ بنابراین می‌توانند کارمند، کارگزار یا شرکت فرعی سازمان باشند. تنها راه فرار نهادهای تجاری از مجازات مقرر در این قانون آن است که این نهادها نشان دهند تمام تدابیر لازم برای جلوگیری از وقوع چنین جرمی را اندیشیده و لحاظ کرده‌اند. تعیین این امر با دادگاه است و بی‌شک کافی بودن یا نبودن این تدابیر بستگی به شرایط پرونده و نیز میزان و پیچیدگی فعالیت آن نهاد تجاری دارد. باوجوداین، مسئولیت اثبات این‌که این روش‌ها برای سازمان مناسب و کافی است، به عهده خود سازمان است.

در همین چارچوب، آیین‌نامه‌ای در سال ۲۰۱۱ تصویب شد که شش معیار برای بررسی این مسئله را ارائه می‌دهد. این معیارها عبارت‌اند از:

۱- تناسب روش‌ها و تمهیدات

روش‌ها و تمهیداتی که توسط سازمان‌ها اتخاذ می‌شود، باید متناسب با ماهیت، مقیاس و پیچیدگی آن سازمان باشند. یک سازمان بزرگ چندملیتی در مقایسه با یک سازمان کوچک، به روش‌ها و تمهیدات متفاوتی نیاز دارد؛ زیرا خطر بروز این جرم توسط کارگزاران آن به مراتب بیشتر است.

۲- پایبندی مدیران عالی‌رتبه سازمان

مدیران رده‌بالا باید به جلوگیری از ارتشا متعهد باشند و فرهنگ مخالفت با ارتشا و رشوه‌خواری را در چارچوب سیاست‌های سازمانی در سازمان پیاده کنند.

۳- برآورد خطر وقوع جرم

سازمان‌ها باید ماهیت و احتمال خطر بروز جرم را ارزیابی کنند (اعم از احتمال بروز جرم تحت تأثیر عوامل درون‌سازمانی یا عوامل برون‌سازمانی).

به‌عنوان مثال در بعضی صنایع خطر بروز جرم رشاء و ارتشا بیشتر است. همچنین برخی بازارهای جهانی و کشورهای خاص بیشتر مهیای بروز این جرم هستند.

۴- دقت و احتیاط حرفه‌ای به میزان لازم

سازمان‌ها باید برای جلوگیری از وقوع جرم نسبت به کارمندان و افرادی که به سازمان خدمت‌رسانی می‌کنند، شناخت کافی و دقت، توجه و احتیاط حرفه‌ای را داشته باشد.

۵- ارتباطات

سازمان‌ها باید خط‌مشی و سیاست‌هایی در ارتباطات داخلی و خارجی اتخاذ کنند که باعث جلوگیری از رشاء و ارتشا شود. آموزش و ارتقای آگاهی به کاهش خطر بروز جرم کمک می‌کند.

۶- کنترل و بازرنگری

سازمان‌ها باید روش‌ها و سیاست‌هایی که برای جلوگیری از بروز جرم اتخاذ کرده‌اند را به‌طور مرتب کنترل و بازرنگری کنند. خطر بروز جرم از زمانی به زمان دیگر و تحت تأثیر عوامل مختلف، تفاوت می‌کند و این امر اهمیت و نیاز به بازرنگری در روش‌ها را به‌روشنی نشان می‌دهد.

قوانین جدید سخت‌گیرانه و شفاف ضدفساد مالی انگلستان با استقبال نهادهای مالی و حسابرسی مواجه شده است. پیش‌تر انگلیس به دلیل قوانین ضد فساد مالی قدیمی و سابقه عملکرد ضعیف در مقابله با فساد مالی در "سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی" با انتقادهای فراوانی روبرو شده بود؛ اما اکنون این کشور می‌تواند این ادعا را مطرح کند که یک قانون ضد فساد مالی و رشوه با استانداردهای جهانی اجرا می‌کند. یکی از ویژگی‌های قانون جدید ضد فساد مالی در انگلیس این است که برای جلوگیری از گسترش فساد مالی و رشوه، مجازات‌های سنگین و شفاف علیه افراد یا شرکت‌های فاسد تعیین می‌شود. در یکی از پرونده‌های اخیر فساد مالی در انگلیس شرکت مهندسی "Jhonson and Mobey" به اتهام پرداخت رشوه از طریق عوامل محلی خود در غنا و جامائیکا و در ارتباط با پروژه پول به‌جای غذا در عراق به پرداخت ۶,۶ میلیون پوند جریمه محکوم شد. در ماه فوریه شرکت دفاعی "BAE" با جریمه ۳۰ میلیون پوندی و ۴۰۰ میلیون دلاری به اتهام فساد مالی روبرو شد. در قانون ضد فساد مالی جدید انگلیس با شفاف شدن تعریف رشوه همچنین، انجام وظیفه برای اعمال قانون علیه مفسدان بسیار آسان‌تر می‌شود. انتظار می‌رود "دفتر مفساد جدی" در انگلیس و پلیس لندن که یک

یگان متخصص بر پرونده‌های رشوه در اختیار دارند، حداکثر استفاده را در مقابله با فساد مالی از این قوانین ببرند. با این وجود، برای حصول به پیشرفت‌های درازمدت و چشمگیر در مقابله با فساد مالی هنوز هم به همکاری‌های جدی‌تر و منسجم‌تر میان کشورهای بیشتری نیاز است. در این رابطه اخبار خوب و بدی شنیده می‌شود. اخبار خوب این است که ۳۸ کشور کنوانسیون ضد رشوه و فساد مالی سال ۱۹۹۷ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی را امضا کرده‌اند و پذیرفتند که قوانین مخصوص به خود در مقابله با رشوه‌های خارجی تعیین کنند. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی نیز یک سیستم بازبینی همسان که در آن نمایندگان کشورهای عضو قوانین و سوابق اعمال قانون کشورها را در روند مقابله با فساد مالی و رشوه بازنگری می‌کنند، ایجاد کرده است. از قانون جدید ضد فساد مالی و رشوه در انگلیس ممکن است به‌عنوان پاسخی به انتقادهای این سازمان به عملکرد دولت لندن در مقابله با فساد مالی و قوانین قدیمی انگلیس در مقابله با فساد مالی یاد شود.

۱۱- نوع و میزان مجازات جرم رشاء و ارتشاء در حقوق ایران

انواع مجازات‌های تعیین‌شده برای جرم ارتشاء با توجه به مبلغ موضوع جرم، عبارت‌اند از:

- ۱- حبس از شش ماه تا ۱۵ سال و در مواردی حبس ابد.
- ۲- شلاق.
- ۳- انفصال دائم از مشاغل دولتی.
- ۴- ضبط مال موضوع ارتشاء، به نفع دولت به‌عنوان تعزیر یا مجازات.

هم‌چنین در مواردی که جرم مشمول ماده چهار قانون تشدید مجازات باشد، یعنی با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری صورت بگیرد، در صورتی‌که مصداق فساد فی‌الارض باشد مجازات مرتکبین فساد فی‌الارض اعمال می‌شود و الا علاوه بر جزای نقدی و ضبط اموال کسب شده از طریق رشوه، حبس از ۱۵ سال تا ابد خواهد بود و شدت مجازات در این موارد به خاطر این است که ارتکاب جرم از طریق تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، ممکن است باعث اخلاص در نظم اقتصادی کشور شود. شروع به جرم ارتشاء از نظر حقوقی، قابل‌تصور و عملی است و

مطابق تبصره سه ماده سه قانون تشدید مجازات شروع به جرم، حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود. در خصوص جرم رشاء (رشوه دادن) نیز باید گفت که از جرایم عمومی و غیرقابل گذشت بوده و تمام نتایج مترتب بر جرم ارتشاء از نظر عنصر معنوی در این مورد نیز صادق است. نکته قابل توجه در جرم رشاء این است که در مواردی راشی، از مجازات معاف می شود. این موارد در قانون تشدید مجازات و همچنین در مواد ۵۹۱ و ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده و اهم آن این است که در صورتی که رشوه برای حفظ حقوق حقه راشی بوده باشد و نامبرده در دادن رشوه مضطر و ناچار باشد، از مجازات تعیین شده برای جرم رشاء معاف می شود.

۱۲- نوع و میزان مجازات جرم رشاء و ارتشاء در حقوق انگلستان

مرتکبین چنانچه شخص حقیقی باشند، حداکثر به ۱۰ سال حبس محکوم می شوند (این مدت از ۷ سال در قانون قدیم به ۱۰ سال افزایش یافته است). سازمانی که بر اساس این قانون مجرم شناخته شود، در معرض مجازات های مالی نامحدود است. همچنین باید ایراد لطمه به شهرت و اعتبار سازمان و تبعات بعد از آن (بی اعتمادی کارگزاران مالی نسبت به سازمان و مدیریت آن) را هم به عواقب ارتکاب این جرم افزود. به علاوه، احتمال وقوع دعاوی مسئولیت مدنی علیه مدیران به دلیل نبود نظارت کافی بر دستگاه تحت نظرشان نیز وجود دارد.

نتیجه

تجربیات به دست آمده از اجرای این برنامه ها نشانگر این است که برای حذف یا کاهش این پدیده شوم در نظام اداری کشور، نیازمند برنامه هایی هستیم که با تأثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن همچون فرهنگ سازمانی (به عنوان پدیده ای که به طور مستقیم از فرهنگ جامعه تأثیر می پذیرد)، پیشگیری از بروز فساد اداری را هدف قرار دهد، به جای آنکه از طریق طراحی رویه های تنبیهی و پس از وقوع با آن مبارزه کند. همان گونه که در دنیای پزشکی تأکید بر این است که پیشگیری بهتر از درمان است و از این طریق با هزینه کمتر و سریع تر می توان به مقصود رسید، در اینجا نیز تأکید می کنیم فرهنگ سازمانی این قابلیت را دارد که

بتواند مانع از بروز بسیاری از جریان‌ها توأم با فساد اداری شود. فرهنگ‌سازمانی از کارکردهای گوناگونی برخوردار است و می‌تواند با معرفی الگوی رفتاری مطلوب به کارکنان، رفتار آنان را کنترل کند. فرهنگ‌سازمانی از طریق تثبیت شیوه‌های مطلوب انگیزش، به رفتار کارکنان جهت می‌دهد. همچنین فرهنگ‌سازمانی از نظر اجتماعی به‌عنوان چسبی به حساب می‌آید که می‌تواند از طریق ارائه استانداردهای مناسب (در رابطه با آنچه باید اعضای سازمان انجام دهند یا بگویند)، اجزای سازمان را به هم متصل می‌کند. اهمیت فرهنگ‌سازمانی در شکل دادن به رفتار کارکنان و القای تعهد درونی در آنان به حدی است که استانی دیویس در کتاب مدیریت فرهنگ‌سازمانی خود، به مجموعه آن نام سازمان غیررسمی را می‌دهد که می‌تواند باعث شود در افراد نوعی تعهد و احساس مسئولیت نسبت به چیزی به وجود آید که آن چیز، بیش از منافع شخصی فرد است. در عین حال، برنامه‌هایی وجود دارند که متمرکز بر فرهنگ جامعه بوده و به منظور پیشگیری از ایجاد فساد طراحی شده‌اند. از جمله این برنامه‌ها، طرح میثاق سلامت است که سازمان جهانی شفافیت آن را مطرح کرده و هدف آن محفوظ نگه داشتن تعاملات همگانی از فساد است. در اصل میثاق سلامت، یک سوگندنامه لازم‌الاجرا بین سازمان‌های دولتی (به‌عنوان ارائه‌دهندگان خدمات) و مؤسسات و افراد (به‌عنوان مراجع‌کنندگان به دولت) است، به طوری که آن‌ها رشوه ندهند و دولت و اجزای آن رشوه نگیرند.

علیرغم عدم تصریح ماده سه «قانون تشدید...»، به نظر می‌رسد احراز قصد مرتشی دایر بر این‌که در مقابل آنچه می‌گیرد کاری را انجام دهد که مورد انتظار راشی است، ضرورت نداشته باشد؛ بنابراین حتی اگر کارمند قصد نداشته باشد که کار مورد انتظار را انجام دهد صرف این‌که مال را به این بهانه می‌گیرد کفایت می‌کند، ولی اگر اساس مال را به بهانه‌ی دیگری بگیرد مرتشی محسوب نمی‌شود. دادگاه‌های انگلستان هم اظهار داشته‌اند متهمی که ضمن گرفتن پول قصد انجام یا عدم انجام کاری را به نفع دهنده نداشته، مرتشی محسوب می‌شود، به شرط آنکه از قصد دهنده‌ی پول دایر بر این‌که بدین‌ترتیب وی را به انجام کاری اغوا نماید، آگاه باشد. در حقوق انگلستان، برای توصیف عنصر روانی جرم ارتشا قید «از روی فساد» یا «فسادآلود» مورد استفاده قرار گرفته است، ولی جهت تسهیل امر اثبات این جرم که

همان‌طور که قبلاً اشاره شده معمولاً تنها شاهد آن‌طرف دیگری است که خود نیز مجرم محسوب می‌شود، فسادآلود بودن رابطه در بخش دوم «قانون جلوگیری از فساد»، مصوب سال ۱۹۱۶، در مواردی که یک قرار داد دولتی موضوع رشوه بوده مفروض انگاشته شده و این وظیفه مرتکب است که دلایلی را برای رد این فرض قانونی اقامه کند. این نکته نسز قابل‌ذکر است که دادگاه‌های انگلستان این عذر را که قصد مرتکب از گرفتن یا دادن رشوه صرفاً افشای طرف مقابل بوده است نپذیرفته‌اند.

در رابطه با اضطرار اشکال قابل ایراد به تبصره‌ی ماده‌ی ۵۹۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده این است که باوجود ماده‌ی ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که اضطرار را به‌طورکلی مانع مسئولیت کیفری دانسته‌اند، نیازی به ذکر اضطرار در تبصره‌ی ماده‌ی ۵۹۲ وجود نداشته است. ضمن اینکه اضطرار، به مفهوم مذکور و با شرایطی که گفته شد، برای مرتشی نیز رافع مسئولیت است، درحالی‌که تبصره تنها از اضطرار راشی سخن به میان آورده است. نمونه‌ی اضطرار مرتشی وقتی است که وی از شدت گرسنگی، بسته‌ی حاوی خاویار گران‌بها را به‌عنوان رشوه می‌پذیرد. بدین ترتیب، نتیجه این بحث این می‌شود که با توجه به حکم عام ماده‌ی ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی نیازی به ذکر اضطرار مرتشی در تبصره‌ی ماده ۵۹۲ وجود نداشته است، به‌ویژه آن‌که در تبصره اشکالات دیگری نیز به نظر می‌رسد، ازجمله این‌که چرا برای رشوه گیرنده‌ای که گزارش دهد یا همکاری کند تخفیف یا معافیت پیش‌بینی نشده است و نیز اینکه تبصره تنها معافیت از مجازات حبس را، در صورت مضطر بودن یا گزارش کردن یا شکایت نمودن راشی، پیش‌بینی کرده و درحالی‌که متن ماده قاضی را بین تعیین حبس یا شلاق مخیر کرده است. بنابراین این سؤال پیش می‌آید که در سه حالت مذکور در تبصره تکلیف مجازات شلاق چه می‌شود و آیا آن نیز مشمول معافیت می‌گیرد یا خیر.

درنتیجه می‌توان گفت قوانین هرکدام از دو کشور باوجود ابهاماتی که در مفهوم آن‌ها وجود دارد نقاط قوتی نیز دارد. در زمینه مجازات‌های جرم رشاء و ارتشا در نظام حقوقی ایران جامع بودن مجازات‌ها و شدت آن‌ها باوجود قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری بیشتر بوده تا از این حربه بتوان برای جلوگیری از وقوع جرم بهره برد هرچند در برخی از مفاد این قانون در زمینه

عنصر معنوی ابهاماتی وجود داشته اما وجود و تأسیس چنین قانونی برای کاهش بروز چنین جرمی مفید بوده است. لزوم افزایش آگاهی و آموزش و جدیت در این امر در میان کارمندان ادارات دولتی در انگلستان برای جلوگیری ایشان از ارتکاب جرم رشاء و ارتشا از نکات مثبت این نظام حقوقی است تا در صورت قرار گرفتن در موقعیت شکلگیری این جرم توانایی گذر از مرتکب شدن را دارا باشند که این موضوع لازم است در نظام حقوقی ایران هم موردتوجه قرار گیرد.

منابع

- بازگیر، یدالله (۱۳۷۶)، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در آرای دیوان عالی کشور، تهران، نشر حقوقدان.
- پیمانی، ضیا الدین (۱۳۷۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ج ۳
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغتنامه، ص ۴۶۳.
- زراعت، عباس (۱۳۷۷)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر فیض.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم.
- میرشاهی، سحر (۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع بررسی جرایم مالی در نظام حقوقی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۴)، تحلیل مبانی حقوق جزا، (ترجمه) انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم. - میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ سی و پنجم.
- ناصری، فرج‌الله (۱۳۵۵)، تحلیلی از فساد و فساد زدائی، مجله حقوقی دادگستری.
- نورزاد، عیوض (۱۳۸۶)، رشوه در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، نشر آریان، چاپ اول.

- Corporate fraud handbook- prevention and detection- WELLS, J.T- HOBOKEN, N.J.: Wiley, 2007.
- The law and corruption- publication year: 2003- GERRARD N.
- bribery- wikipedia- 2006.
- Session Laws 1983, c. 780, s. 1.
- Session Laws 1993 (Reg. Sess. 1994).